

مردم سنندج، در برابر دو کمپ ارتجاع!

مذهبی انسانها را مثل حیوانات نر و ماده در تمام شئون اجتماعی جدا کرده است. ۲۶ سال است که اعدام و سنگسار و شکنجه و زجر سیستماتیک را همین رژیم هار اسلامی بخش لایتجزای زندگی مردم کرده است. سالهاست که حق مردم از تنفس، بستن دهان و بریدن زبان از قفا بوده است. بیش از دو دهه و نیم است که سهم انسان از زندگی در آن جامعه توهین و حقارت و تبعیض و نابرابری به وجودش بوده است. مردم کردستان مثل تمام مردم ایران ذی حقدند که معترض باشند. انسان ها شایسته زندگی آزاد و برابر و به دور از دست درازی مذاهب و ارزشهای متوحش اند. این را مردم سنندج در خیابانها با شعار "آزادی، آزادی" فریاد کشیدند. واقعیت این است که از هم پاشیدن روابط کهنه اجتماعی و نفوذ و گسترش مناسبات سرمایه داری و شهر نشینی و شکل گیری طبقه وسیعی از کارگران در دهه های اخیر در کردستان تحول اقتصادی و اجتماعی بزرگی بوده است که نهایتاً گرایشهای سیاسی در جامعه را تحت تاثیر عمیق خود قرار می دهد و مسائل، مطالبات و گرایشهای نوینی را با خود به میان می کشد. در راستای این مهم، تقلای جریانات قومی و فاشیستی کرد برای کوبیدن مهر خود به اعتراض دیروز مردم در سنندج زیادی تماشاایی است. مردم باید با تعصبات فاشیستی و سم پراکنی های این جریانات مرتبط که ربطی به مطالبات انسانی آنها ندارد آگاهانه عمل کنند. کمونیستها در کردستان باید مبانی واقعی این تعصبات کور، یعنی آن عوامل اجتماعی و اقتصادی ای را که از یکسو بخش محروم جامعه را با خطر لمپنیسم و فلالنزیسم مواجهه می کند و از سوی دیگر احزاب ناسیونالیسم را جارو کنید.



فواد عبداللهی

مردم سنندج بار دیگر بعد از تحسن و صدور قطعنامه رادیکالشان در روز شنبه جلو استانداری و در اعتراض به قتل شوانه قادری شهروند مهاجری و در حمایت از اعتراضات در شهرهای پیرانشهر، مهاباد و مریوان و دیگر شهرها بار دیگر علیه رژیم اسلامی دست به اعتراض گسترده زدند. دستگیری، تلفات و زد و خورد و سوزاندن تعدادی از خودروهای نظامی اینبار چهره شهر را دگرگون ساخت. هرچند نطفه این تعرض وسیع به بهانه قتل شوانه قادری توسط رژیم، شکل گرفت اما مسئله اساسی این است که اعدام و شکنجه انسان توسط این جانین، تازگی ندارد. مردم ۲۶ سال است که طعم این نوع جنایات و مکافات را چشیده اند. ۲۶ سال است قوانین کثیف

جوانان کمونیست

سازمان جوانان کمونیست - حکمتیست
Youth Communist Organization - Hekmatist

www.javanx.com

سردبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com

۴۹

سه شنبه ها منتشر می شود!
۱۳۸۴ مرداد ۰۲ AUG 05

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصطلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد.

یک دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

تماس با ما

دبیر سازمان: بهرام مدرسی
bahramsjk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۹۱۷۴۹۴۴۰۲۰۱
فاکس: ۰۱۲۱۲۱۰۲۲۳۶۱۳

سردبیر: فواد عبداللهی
foadsjk@gmail.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۹۰۸۰۹۱۴۲

معاونت دبیر: نسیم رهنما
nasimrahnamadk@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۵۲۲۸۲۴۵۴۲

معاونت دبیر:
جمال کمانگر
jkamangar@yahoo.com
تلفن: ۰۰۴۴۷۸۱۴۷۶۵۶۶۱۹

ما تئوریسین ایم! جوابی به جوابیه

آقای نیابتی

جمال کمانگر ص ۲

پیشنهاداتی در مورد

اسناد کنفرانس اول

سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست

بهن بهاری ص ۲

در زمینه فعالیت احزاب سیاسی در ایران

منصور حکمت ص ۴



زنده باد آزادی! زنده باد برابری!

ما تئوریسین ایم! جوابی به جوابیه آقای نیابتی



جمال کامانگر

مقاله جدید آقای نیابتی در جواب من جدا از فرهنگ بزرگ منشی مشمژکننده اش که در سراسر مطلب موج میزند، نکاتی در آن هست که جوابی کوتاه از من میطلبد. گویا ایشان چون من را نمی شناسد، پس لابد "دیرآمده ام" و حتما انتظار داشت که "موی سفید من"، نشان وارد شدن به پلیمیک با این طیف از جاده صاف کنان اسلام سیاسی و تئوریسین های خود گمارده ای باشد که از فیلتتر "آشنایی و شناخت" گذشته باشم.

نامقدس و پبله مانند این جماعت در هم شکسته شود، شروع میکنند مدالهای زنگ زده شان را به رخ مردم میکشند.

اما تا آنجا که به جنبش کمونیسیم کارگری بر میگردد جواب در خور خودش را داده است. جنبش ما "جنبش بازگرداندن اختیار به انسان است". محض اطلاع جناب نیابتی، جوانترین عضو کمیته مرکزی حزب حکمتیست (نسیم رهنما) تازگی جشن بیست سالگی اش را گرفت. این طرز تفکر شما به شدت قیوم مآب و سنتی است که کرسی "صدارت" و "عالم و دانا بودن" را فقط مختص "بزرگان" و "رهبران" خود گمارده روی گرده مردم میداند.

گفتید: چرا از "بزرگترها" در مورد شخص شما "استعلام" نکردم. باید اعتراف کنم که این جنبش و این حزب سیاسی که من عضو آن هستم در اصول سازمانیش چیزی در مورد ممنوع بودن اظهار نظر فردی با نام و مشخصات حقیقی در مورد عالم و آدم نگفته است.

در بند سوم اصول سازمانی حزب حکمتیست آمده است:

"عضویت در حزب هیچک از حقوق و آزادیهای فردی و مدنی اعضا را محدود و مشروط نمیکند، به همین ترتیب، عضویت در حزب تحت هیچ شرایطی مایه هیچ نوع برتری و امتیازی نسبت به سایر مردم نیست".

میبینید من از این جنبش برخوردارم که اساسش انسان است نه خود بزرگ بینی کاذب! حیف آمد که یک بند دیگر از اصول سازمانی را یادآور نشوم که آنها هم باز در جواب "استعلام" شما از رفیق "حمود قزوینی" در مورد اینکه آیا نوشته من

موضع حزب است یا نه؟ بند سیزدهم میگوید:

هم فکری در تعیین هدف مشترک و همگامی در مبارزه عملی برای تحقق، آن اصل اساسی در مناسبات داخلی حزب حکمتیست است. گسترده ترین تبادل نظر و هم فکری و بیشترین فرجه برای طرح آراء و نظرات مختلف در جریان تصمیمی گیری در سطوح گوناگون در کنار

البته ناگفته نماند "چپ سنتی" هم در عشق به مبارزه با امپریالیسم در این کمپ با کمی سایه روشن قرار میگیرد. نظرات شما دقیقاً در کنار نظرات همان میدیای است که دارد روزانه تلاش میکند این تفکیک را به مردم بقبولاند که اسلام "خوب و بد" داریم. روزانه نورافکن روی هرچه شیخ پشم الدین و آخوند کپک زده با عمامه و بی عمامه

من اسلام سیاسی را یک جنبش ارتجاعی معاصر میدانم که از خمینی و خامنه ای تا مهدی بازرگان، عربستان و بن لادن و طالبان و تمام مدعیانی که دنبال اسلام معتدل و ضد امپریالیسم هستند در آن قرار دارند.

اکیدترین انضباط و هم گامی. یکپارچگی عملی در پیش برد سیاستها و اقدامات مصوب، ارکان تفکیک ناپذیر مناسبات درونی حزب حکمتیست را تشکیل میدهد.

پس میبینید آقای نیابتی! حزب حکمتیست بر این مبنا با اعضایش بر خورد میکند. نظرات رسمی حزب در نشریات حزب منتشر میشود.

اما فخر فروشی شما حداقل برای ما جوانان زیادی ناجالب و نا مربوط است. در مورد تئوریهای

مشعشع شما در مورد "فندامنتالیسم" باید بگویم این دقیقاً حرفهای شیخ عمر البکری، آیت الله جنتی، بوش و بلر و کل مفسرین و تئوری پردازان اسلامی و نظم نویسی است که بخاطر حفظ کلیت این پدیده ارتجاعی معاصر که اتفاقاً در راستای منافع دراز مدت دول غربی است.

ترم "بنیادگرایی" را علم کرده اند تا تفکیکی بین بخشهای معتدل و اهلی شده تر اسلام سیاسی که با غرب کنار می آید با بخشهای تروریستی و ضد غربی این جریان قائل باشند.

را بیشتر به نفع افسار گسیختگی هر دو قطب تروریستی باز میکند؟

غیر از این است که کنترل دولتها را به بهانه "مبارزه با تروریست" به خصوصی ترین بخش زندگی بشر میرسد؟ غیر از این است که دست دولتها را در بازداشت خودسرانه "اتباع خارجی" در این کشورها باز میکند؟

لابد این سوال ها در قاموس "تضاد عمده" شما نمیگنجد.

من به شما میگویم "سوراخ دعا را گم کرده اید" قبول نمیکنید.

مگر میشود بدون مبارزه سیاسی و ایدئولوژیک با اسلام به طور کلی و بطور اخص با

اسلام سیاسی و در هم کوبیدن تمام زیر ساختهای اقتصادی، فرهنگی و تعطیل کردن مراکز تحقیق مذهبی و مصادره اموال بنگاههای مذهبی، دم از مبارزه به قول خودتان با "بنیاد گرایی" بزنید بیشتر به جوک میماند تا کسی آخر اجدی بگیرد.

باید چنان حمله ای به اسلام سیاسی و سمبلیهای مذهبی کرد که مانند انقلاب کبیر فرانسه که مسیحیت را در قفس کرد ما هم اسلام را از زندگی مردم پاک کنیم. باور کنید این تئوری توطئه شما ریشه در فرهنگ دایی جان نالیئونی دارد که دامن شما را گرفته است.

من اسلام سیاسی را یک جنبش ارتجاعی معاصر میدانم که از خمینی و خامنه ای تا مهدی بازرگان، عربستان و بن لادن و طالبان و تمام مدعیانی که دنبال اسلام معتدل و ضد امپریالیسم هستند در آن قرار دارند.

اینها اجزای این جنبش ارتجاعی را تشکیل میدهند. همراه با سر کار آمدن جمهوری اسلامی برای سرکوب سوسیالیستها در جوامع خاورمیانه عروج کردند.

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

پیشنهاداتی در مورد اسناد کنفرانس اول سازمان کمونیست-حکمتیست

بهمین بهار

در مورد قرار حقوق جهانشمول انسان

با توجه به تصویب این بیانیه در همه ارکان حزب ، سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست علاوه بر تصویب و اعلام حمایت از این بیانیه باید راهکار هایی در مورد عمومی شدن آن و تبدیل آن به یک خواست عمومی داشته باشد.

بیانیه حقوق جهانشمول انسان در شرایط کنکرت فعلی دارای پتانسیل بالایی جهت تبلیغ ، معرفی حزب به نهاد های بین المللی به عنوان یک حزب طرفدار حقوق انسانی ، جذب کمک های مالی و جذب انسان ها و مخصوصا جوانان معترض به وضعیت فعلی دارد . برای عملیاتی شدن این نظر پیشنهادات زیر ارائه می گردد.

۱- برای معرفی حزب به مردم دیگر کشور ها و نهاد های بین المللی ، این بیانیه به زبان های دیگر ترجمه شود .

۲- جهت مطرح کردن و تبلیغ این بیانیه و حزب به شاخه های مختلف سازمان جوانان توصیه می شود در آکسیون های حزبی با توجه به موضوع این تجمعات از بندهای بیانیه به هر صورت که امکان پذیر است از طریق نصب آن در مکان های عمومی تا نوشتن آن به صورت پلاکارد جهت تبلیغ آن اقدام گردد .

۳- تبلیغ بیانیه و نوشتن مقالات ترویجی و توضیحی در مورد بند های این بیانیه در همه نشریات سازمان

در مورد قرار آرایش رهبری سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست

در مورد آرایش رهبری حزب و ساختار درونی سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست و ارتباط بین ارکان مختلف آن از نشریات تا کمیته مرکزی سازمان جوانان و هیات اجرایی سازمان باید به صورت دقیق تری مطرح شود و مورد بحث قرار گیرد تا در جریان امور اجرایی سازمان هیچ ابهام و خللی به وجود نیاید.

۱- مشخص کردن رابطه بین کمیته مرکزی حزب و کمیته مرکزی سازمان جوانان و مشخص کردن مکانیسم چگونگی انتقال سیاست های دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب به سازمان جوانان

۲- روند تاثیر گذاری و شیوه انتقال نظرات بدنه سازمان جوانان به کمیته مرکزی و نهاد های تصمیم گیری حزب .

۳-
۴-

در مورد سند مبنای فعالیت سازمان جوانان کمونیست-حکمتیست

این سند مهمترین بخش از مصوبات کنفرانس را تشکیل می دهد که افق حرکت و دورنمایی حرکت سازمان را در یک سالهای آینده روشن می کند .

به طور مشخص دو حوزه کاری داخل کشور و خارج کشور از هم باید جدا شوند زیرا این دو حوزه اساسا سیاست ها و راهکار های مخصوص خود را طلب می کنند .

در زیر موارد پیشنهادی در مورد اقدامات بخش "تبدیل شدن به نیروی موثر در صحنه سیاست ایران" علاوه بر مواردی که در سند ذکر شده پیشنهاد می شود.

الف- در حوزه ایران :

این مسئله در سطح کشور از بزرگترین معضلات حزب در سازماندهی می باشد که البته به بحث های طولانی تری در سطح رهبری حزب نیازمند است.

ب- در حوزه خارج کشور :

۱- پناه جویان و جوانان که به علت شرایط نامناسب ایران به خارج کشور آمده اند و کمپ های پناهندگان از مکان های مناسب برای تبلیغ ، نصب بیانیه ها و تبلیغات حزب می تواند باشد

۲- دانشجویان خاج از کشور و دانشگاه هایی که محل تحصیل و تجمع ایرانیان است از مکان های مناسب برای فعالیت ، عضو گیری و ... می باشد . برای نشان دادن اهمیت دانشجویان خارج کشور می توان به فعالیت

۳- داشتن کلوب ها و یا مکان هایی که امکان جمع شدن افراد و گذاشتن قرار های دوستانه و ... را امکانپذیر کند ، هم می تواند امکانی مالی و هم امکاناتی جهت دسترسی به طیف وسیعی از آدمها برای اطلاع رسانی ، عضو گیری و آکسیون های حزبی فراهم کند.

۴- آموزش و قدرت تئوریک کادر ها از اهمیت بسیار بالایی برای حزب و گسترش بدنه اش برخوردار است جلسات مطالعاتی ، چاپ جزوات و کتاب های حزبی و مطالعه مستقیم روی آثار مارکس و لنین و مارکسیست های دیگر اکیدا پیشنهاد می شود ، جلسات بحث و گفتگو می تواند توانایی استدلال و فکری اعضا را بالا برد .

۵- ارتباط و یا استفاده از مکتوبات احزاب چپ و کمونیست دیگر در سطح جهان ، داشتن ارتباط های حداقلی که می تواند منجر به فراهم آمدن امکان آشنایی با سیاست ها و یا راهکار های مختلفی که این احزاب تا کنون به کار بسته اند باشد (به طور مثال به نمونه احزاب آمریکای لاتین و بررسی سیاست های آنها اشاره کرد).

۶- شرکت در فرم های جهانی نیرو های چپ یا حتی نیرو های ضد جهانی سازی و نمایندگی حزب و کمونیسم کارگری در این "فرم" ها و بیان نقطه نظرات حزب در مجامع جهانی ، البته شرکت در این مجامع به معنی پذیرفتن تز های ضد جهانی سازی و یا جهان سوم گرایی این احزاب نیست بلکه دقیقا در جهت تبدیل کردن کمونیسم کارگری در سطح جهانی به یک نیرو و مشخصا تبلیغ کمونیسم کارگری در سطح جهانی و مطرح کردن حزب کمونیست کارگری ایران-حکمتیست به عنوان یک حزب سیاسی با پرنسب و مطرح از نظر تئوری و سیاست است .



دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

در زمینه فعالیت احزاب سیاسی در ایران گفتگو با رادیو فرانسه



منصور حکمت

بخش فارسی رادیو بین المللی فرانسه ۱۶ فوریه در برنامه "زمینه ها و زمانه ها" گفتگویی تلفنی درباره فعالیت احزاب و تشکل های سیاسی در ایران کنونی ترتیب داد که در آن ایرج جمشیدی روزنامه نگار مقیم تهران و منصور حکمت از جانب حزب کمونیست کارگری ایران شرکت داشتند.

احسان منوچهری مسئول برنامه با طرح پرسشی درباره شرایط کلی فعالیت احزاب و تشکلهای سیاسی در ایران در شرایط حاضر گفتگورا آغاز کرد و منصور حکمت در جواب به این پرسش در نوبت خود چنین گفت:

علنی و قانونی داشته باشند؟ آیا احزاب و سازمانهای طرفدار برابری زن و مرد، کسانی که معتقدند دست اسلام باید از زندگی زن ایرانی کوتاه بشود، امروز قادرند در ایران فعالیت بکنند؟ آیا حزبی که معتقد باشد فرهنگ مفید شرقی و اسلامی نباید زندگی جوانان مملکت را در چنگال خودش بشارد قادرند آنجا فعالیت بکنند؟ حقیقت اینستکه امروز آزادیخواهی، سوسیالیسم، دفاع از کارگر، دفاع از زن، دفاع از حقوق کودک، دفاع از یک جامعه غیرمذهبی و سکولار، دفاع از آزادی اندیشه، آزادی انتقاد غیرقانونی است در ایران و با اعدام پاسخ میگیرد.

احسان منوچهری: با اشاره به سخنان ایرج جمشیدی در این مورد که مردم میان ممکن و ناممکن تمایز میگذارند از منصور حکمت پرسید از نظر شما آیا باید در انتظار آزادی کامل بود یا باید با نوعی فعالیت حتی محدود در راه گسترده تر کردن آزادیها تلاش کرد؟

منصور حکمت: آزادی احزاب به معنی آزادی احزاب موافق رژیم نیست اصلا هر نوع آزادی یعنی آزادی مخالف خود قائل بودن به آزادی احزاب مخالف رژیم من این را می پذیرم که نفس همیکنه حالا عده ای جرات میکنند دوباره بگویند به ما آزادی بدهید که با زبان خودمان از جمهوری اسلامی و از نظام الهی و حکومت دینی در مملکت دفاع کنیم شاید پیشترت محسوب بشود شک ندارم مردم حتی از همین روزنه ها هم برای هل دادن بیشتر جمهوری اسلامی به لبه پرتگاه استفاده خواهند کرد کمالات از انتخابات ریاست جمهوری چنین نتیجه ای را بیرون کشیدند من منکر فواید یک چنین وضعیتی برای مردمی که مترصد عقب راندن و سرنگون کردن حکومت هستند نیستم منتها سخن گفتن از همچنین پدیده ای، یعنی ثبت نام دوستان و همکاران سابق و قدیمی خود حکومت بعنوان احزاب سیاسی و منتظر شدنشان برای اینکه ببینند آیا صلاحات دارند یا نه، بعنوان گشایش سیاسی یا پدیده ای در چارچوب مقوله آزادی، اهانت به آزادی و آزادی سیاسی و آزادی احزاب و تشکلهاست. سوالی که باید کرد اینستکه آیا احزاب سوسیالیستی که معتقدند دین باید از دولت جدا بشود و امر خصوصی مردم اعلام شود، آیا این احزاب قادرند فعالیت

خاتمی می تواند به مردم ایران لبخند بزنند درست است که هنوز در ایران عشاق را سنگسار میکنند، درست است که هر روز بجرم حرف زدن آدمها را اعدام میکنند، درست است که هنوز زن در آن جامعه آدم محسوب نمیشود ولی در عوض آقای خاتمی به روزنامه نگاران ما لبخند زده این بنظر من شرط وفاداری به حقیقت نیست.

احسان منوچهری: چه هنگام میتوان گفت که آزادی احزاب در این کشور وجود دارد؟ منصور حکمت: من گفتم آزادی احزاب برای احزابی که موجودیت رژیم را زیر سوال ببرند یا حتی کمتر از این واقعا منتقدین جدی باشند الان وجود ندارد و بخصوص تعجب میکنم که دوست ما به مقوله ضمانت اجرایی اصلا توجه نمیکند ضمانت اجرایی آزادی این احزاب چیست؟ فرض کنید ثبت کردند خوششان را و روزنامه چاپ کردند، پس فردا اگر گرفتند گفتند جاسوس آمریکا هستی دستش به کجا بند است؟ چه مکانیسمی در جامعه هست که از آن حزبدار بیچاره ای که حالا باورش شده فکر کرده حزب تشکیل داده و میتواند حرفش را بزند دفاع خواهد کرد؟ راجع به آن سی میلیون رای (اشاره به صحبت جمشیدی در مورد آراء انتخاباتی رئیس جمهور) اجازه بدهید من یک نکته را بگویم سی میلیون رای آوردند کاندیدهای مجاز و دولتی که چهار تا بیشتر نبودند حال حزب کمونیست کارگری به کنار، واقعا بنظر شما اگر برای مقال توده ای ها نماینده خوششان داشتند میرفتند به آقای خاتمی رای میدادند؟ و اگر سلطنت طلبها نماینده خوششان را داشتند باز میرفتند به آقای خاتمی رای میدادند؟ اگر احزاب کردستان میتوانستند نماینده داشته باشند میرفتند به آقای خاتمی رای میدادند؟ فکر میکنید سازمانهای زنان اگر نماینده صریحتری برای مطالبات زنان داشتند میرفتند به آقای

خاتمی رای میدادند؟ این سی میلیون رای ثبت شده به اسم آقای خاتمی بخاطر اینکه مردم فهمیدند اگر به ایشان رای بدهند رژیم را به عقب رانده اند و دچار مشکل کرده اند معنی اش این نیست مردم به آقای خاتمی بعنوان پرچمدار مطالبات و حقوق و آرمانهایشان رای داده اند در یک شرایط آزاد، سه ماه بگذارد احزاب فعالیت بکنند تا ببینید مردم به کی رای میدهند من در این

شک ندارم که مردم جمهوری اسلامی را بشدت به عقب رانده اند و گشایش برای خوششان ایجاد کرده اند، ولی بنظر من حرف واقعی که باید به مردم زد اینستکه این مسیر را ادامه دهید. توهم نداشته باشید به هیچ جناحی در حکومت اشکال این حکومت این نیست که خوبایش سر کار نیستند اشکال این حکومت اینست که سر کار است.

من فکر میکنم تاریخ و جامعه را کسانی جلو میبرند که پرچمهای روشنی جلو مردم میگردند و به آنها انتخاب میدهند بطور واقعی مردم ایران احتیاج دارند بدانند به کجا میروند اگر این مردم بناست در مقاطع تعیین کننده ای بیایند به صحنه و آن ضمانت اجرایی باشند که آقای جمشیدی میخواهد، باید گول نخورد باشند و توهم نداشته باشند باید بدانند در عین اینکه الان به خاتمی رای داده اند، ولی بیرون خاتمی نیستند، وگرنه با ششستن خاتمی آنها هم می نشینند مردم باید فراتر از خاتمی راه ببینند، فردا را ببینند، که واقعا اینطور هم هست، بنظر من مردم میدانند چه میخواهند مردم میدانند جمهوری اسلامی یک ناهنجاری بوده به پیکر جامعه شان باید سریعتر گذرانندش، تماشش کرد و این را راهی میدانند که به آنجا ختم میشود بنابراین اگر این را میدانند، تاکید بر اینکه آری این راه باید به آنجا ختم بشود فقط این جنبش را قویتر میکند بحث بر سر این است که من چه نظامی میخواهم آقای جمشیدی چه نظامی میخواهد بعنوان یک آرمان بعنوان یک اصل، نه اینکه چه چیزی برای ما ایرانیهای توسری خورده امروز مقوریم، و برویم خدا را شکر کنیم که همین راهی ما شناخته اند.

به نقل از نشریه ایسکرا شماره ۲
۲۹ اسفند ۱۳۷۶ - ۲۰ مارس ۱۹۹۸



برنامه های روزانه پرتو

برنامه های پرتو هر روز (از ساعت ۸ تا ۹ شب به وقت تهران) ۱۳:۰۰ تا ۱۴:۰۰ بعد از ظهر به وقت اروپا

مرکزی و ۱۳:۰۰ تا ۱۴:۰۰ صبح به وقت (امریکای غربی از شبکه کانال یک پخش میشود)

ایران و اروپا:

Telstar 12
Freq: 11494.5 MHz
Polarity: Verical
Sym Rate: 17,4687ms
FEC: 3/4

امریکای شمالی:

Telstar 5
Freq: 12,090 MHz
Polarity: Horizontal
Sym Rate: 20000 ms
FEC: 3/4

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:

www.hekmatist.com/parto

از این سایت ها دیدن کنید:

www.javanx.com
www.hekmatist.com
www.oktober.com
www.rahai-zan.com
www.iran-tribune.com
www.pasox.org

گروپ جوانان حکمتیست

در یاهو!

<http://groups.yahoo.com/javananekomonist>

به سازمان

جوانان حکمتیست

پیونید!

